

گواهی ظرفیت؛ ابزاری مناسب برای توسعه صنعت برق^۱

رضا میرزاخانی*

سیدعباس موسویان**

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۸

چکیده

یکی از چالش‌های اصلی بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله صنعت برق، تأمین مالی است، بنابراین، همواره این صنعت نیازمند نوآوری‌های مالی به‌منظور طراحی ابزارها و نهادهای مالی جدید به‌منظور برآورده کردن نیازهای تأمین مالی خود است. در ایران، توسعه صنعت برق به‌دلیل اتکای این صنعت به منابع دولتی و به‌طور عمده بودجه دولت، با چالش مواجه است و متناسب با رشد مصرف برق در کشور، منابع مالی جهت تولید ظرفیت جدید وجود ندارد از این‌رو، وزارت نیرو به‌عنوان مهمترین نهاد سیاست‌گذاری صنعت برق در کشور همواره با کمبود منابع مالی مواجه می‌باشد و همواره به‌دنبال جذب مشارکت بخش خصوصی جهت سرمایه‌گذاری در صنعت برق است.

یکی از پیش‌نیازهای لازم برای مشارکت بخش خصوصی در صنعت برق، ارائه راه‌حل‌ها و ابزارهای مالی مناسب است که این ابزارها براساس نوآوری‌های مالی و متناسب با نیاز صنعت برق طراحی شده باشند. گواهی ظرفیت یکی از ابزارهای مالی طراحی شده برای تأمین مالی صنعت برق است که می‌تواند جهت تأمین مالی ایجاد نیروگاه‌های جدید بکار گرفته شود. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و براساس فقه امامیه و متناسب با قوانین و مقررات بازار سرمایه ایران و نیاز صنعت برق، ابزار مالی گواهی ظرفیت معرفی می‌شود.

واژگان کلیدی

صنعت برق، تأمین مالی، تأمین مالی اسلامی، ابزار مالی اسلامی، گواهی ظرفیت.

طبقه‌بندی JEL: G23

sadoogh.m@gmail.com

* دانشجوی دکتری فقه‌الاقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول)

samosavian@yahoo.com

** دانشیار پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی

مقدمه

امروزه نوآوری‌های مالی نقش بسیار مهمی در طراحی ابزارها و نهادهای مالی متناسب با نیازهای بخش‌های مختلف اقتصادی دارد. این بخش‌ها از قبیل بخش صنعت، کشاورزی، خدمات و... شکل اصلی اقتصاد را تشکیل می‌دهند. در بخش صنعت انواع متفاوت و متنوعی از صنایع فعالیت دارند که در این میان صنعت انرژی به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی و مهم نقش بی‌بدیلی در توسعه سایر بخش‌های اقتصاد و صنایع دارد. یکی از بخش‌های اصلی انرژی، صنعت برق است که شامل تولید، انتقال و توزیع برق می‌باشد.

یکی از چالش‌های اصلی صنعت برق، تأمین مالی است. صنعت برق به‌منظور افزایش ظرفیت تولید و نگهداری و بهسازی ظرفیت موجود خود به صورت مستمر نیازمند تأمین منابع مالی است. بنابراین، همواره این صنعت نیازمند نوآوری‌های مالی به‌منظور طراحی ابزارها و نهادهای مالی جدید به‌منظور برآورده کردن نیازهای تأمین مالی خود است.

در ایران، توسعه صنعت برق به‌دلیل اتکای این صنعت به منابع دولتی و به‌طور عمده بودجه دولت، با چالش مواجه است و متناسب با رشد مصرف برق در کشور، منابع مالی جهت تولید ظرفیت جدید وجود ندارد از این‌رو، وزارت نیرو به‌عنوان مهمترین نهاد سیاست‌گذاری صنعت برق در کشور همواره با کمبود منابع مالی مواجه می‌باشد، نیاز به سرمایه‌گذاری گسترده در صنعت نیروگاهی و عدم توانایی بخش دولتی در جذب و تأمین منابع مالی مورد نیاز برای ارضای نیازهای در حال رشد کشور در بخش نیرو، موجب گردید تا در برنامه سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با تأکید بر اصل ۴۴ قانون اساسی، با کاهش تصدی‌گری دولت و بهره‌گیری از توان مالی و مدیریتی بخش خصوصی، نسبت به حضور بخش خصوصی در بازار انحصاری برق، اقدام گردد (ماده ۱۲۲ قانون برنامه سوم توسعه و ماده ۲۵ قانون برنامه چهارم توسعه). یکی از پیش‌نیازهای لازم برای مشارکت بخش خصوصی در صنعت برق، ارائه راه‌حل‌ها و ابزارهای مالی مناسب است که این ابزارها براساس نوآوری‌های مالی و متناسب با نیاز صنعت برق طراحی شده باشند. گواهی ظرفیت یکی از ابزارهای مالی طراحی شده برای تأمین مالی صنعت برق است که می‌تواند جهت تأمین مالی ایجاد نیروگاه‌های جدید به کار گرفته شود.

۱. بیان مسأله و ضرورت پژوهش

یکی از عمده‌ترین مشکلات کشورهای در حال توسعه در مسیر رشد و توسعه زیربنایی اقتصادی مواجه شدن با کمبود منابع مالی و به‌خصوص منابع ارزی می‌باشد. صنعت برق به‌عنوان یکی از بخش‌های زیربنایی اقتصاد کشور که تاکنون تصدی آن به‌عهده دولت بوده است نیز از این مشکلات مستثنی نبوده و احداث، بهره‌برداری و ترمیم در آن با کمبود منابع ارزی روبرو بوده، به‌نحوی که بودجه عمومی کشور برای تأمین مالی آن ناتوان بوده و نیازمند به کارگیری راهکارهای دیگر می‌باشد.

پرداخت‌های صورت‌حساب ماهانه اغلب صرف تأمین هزینه‌های بهره‌برداری و تعمیر و نگهداری بخش‌های تولید، انتقال و توزیع نیروی برق می‌گردد. ادامه شرایط فعلی جهت تأمین هزینه‌های برق در کشور، نگرانی‌هایی را در ارتباط با حصول اطمینان از تأمین ظرفیت تولید برق در کشور در بلندمدت ایجاد نموده است. جهت رفع مشکل فوق و به‌منظور جلب مشارکت بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری جهت توسعه ظرفیت تولید برق در کشور، ایده طراحی اوراق بهاداری با نام گواهی ظرفیت مطرح شده است.

در شرایط موجود مصرف‌کنندگان به‌منظور اتصال به شبکه سراسری برق و استفاده از خدمات تأمین برق باید هزینه‌های برقراری انشعاب، هزینه احداث شبکه اختصاصی و در نهایت هزینه صورت‌حساب‌های ماهانه (شامل بهای دیماند و انرژی) برق مصرفی را پرداخت نمایند.

با توجه به طراحی‌های انجام شده، نیروگاه‌های تازه احداث شده و در دست احداث می‌توانند پس از تأیید وزارت نیرو، با انتشار گواهی ظرفیت، پیش از وارد شدن به مدار اقدام به تأمین مالی کنند و متقاضیان اتصال به شبکه نیز قادر خواهند بود به سهولت و سرعت از طریق سیستم عرضه و تقاضا در بورس انرژی به طور شفاف نسبت به تهیه گواهی ظرفیت و ارائه آن به شرکت‌های برق منطقه‌ای یا توزیع نیروی برق به‌عنوان پیش نیاز اتصال به شبکه سراسری برق کشور اقدام نمایند. بدین ترتیب وزارت نیرو به جای دغدغه توسعه ظرفیت تولید برق جدید و احداث نیروگاه‌های جدید، شرایط ورود بخش خصوصی به عرصه تولید را تسهیل می‌نماید. مصرف‌کنندگان نیز ضمن سرعت بخشیدن به درخواست اتصال به شبکه، خود به‌صورت شفاف و بی‌واسطه از طریق بورس نسبت به

تأمین مالی احداث نیروگاه‌های جدید اقدام می‌نمایند. بنابراین، با توجه به رشد سریع مصرف برق در کشور و ورود صنایع و مصارف جدید در کشور و همچنین نیاز به تأمین مالی بخش خصوصی برای احداث نیروگاه‌های جدید، می‌توان تقاضای مناسبی را برای این اوراق متصور شد. ضمن اینکه کلیه دارندگان حق انشعاب و متصل به شبکه موجود نیز در صورت کاهش دیماندا مصرفی می‌توانند در این بازار به‌عنوان عرضه‌کننده عمل نمایند. فعالان بازار این اوراق، صرفاً محدود به مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان واقعی برق نیستند و سرمایه‌گذاران عادی نیز قادر خواهند بود از نوسانات احتمالی قیمت این اوراق سود برند و به نقدشوندگی بازار این اوراق کمک نمایند (کاوند و همکاران، ۱۳۹۳، صص ۲-۳).

۲. پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های جامعی پیرامون گواهی ظرفیت انجام نشده است، ولی برخی پژوهش‌های مرتبط با این ابزار مالی و نیز تأمین مالی صنعت برق وجود دارد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۳۹۳) در گزارشی با عنوان «امکان‌سنجی راه‌اندازی معاملات گواهی ظرفیت برق»، به معرفی این ابزار مالی پرداخته است.

اسدی و کازرانی‌نژاد (۱۳۹۲) در مقاله با عنوان «تأمین مالی پروژه‌ها از طریق سرمایه‌گذاری متقاضیان بخش خصوصی در تأسیسات عمومی»، در راستای شناسایی مؤثرترین روش تأمین منابع مالی، روش‌های متفاوت تأمین منابع مالی معرفی و هر یک از روش‌ها با معیارهای خاص مورد ارزیابی قرار گرفته است.

موسویان و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله با عنوان «اوراق بهادار (صکوک) و کالت؛ ابزاری مناسب برای تأمین مالی صنعت پتروشیمی»، ضمن ارائه مدل پیشنهادی اوراق و کالت جهت تأمین نیازهای گوناگون مالی در صنعت پتروشیمی، به بررسی فقهی و ریسک این اوراق پرداخته و راهکارهایی برای مدیریت ریسک این ابزار معرفی کرده است.

ابوالحسنی و بمانیان (۱۳۸۹) در مقاله با عنوان «بررسی موردی تأمین مالی هفت پروژه نیروگاهی به روش BOT و BOO»، ساختار پایه‌ای مالی و قراردادی و شناخت ریسک‌های موجود در پروژه‌های اجرا شده به روش تأمین مالی BOT در کشورهای در حال توسعه

آسیائی را بررسی و راه‌حل‌های مناسب جهت مدیریت و کاهش ریسک در این روش را مورد بحث قرار داده‌اند. روش به کار گرفته شده در این مقاله به صورت مطالعه مقایسه‌ای در ساختار و ریسک‌های موجود در هفت پروژه انتخاب شده نیروگاهی می‌باشد که به روش BOT و BOO تأمین مالی و اجرا شده‌اند.

یزدی‌زاده راوری (۱۳۸۴) در پایان‌نامه با عنوان «طرق مختلف تأمین منابع مالی پروژه‌ها در صنعت برق استان خراسان»، ضمن بررسی روش‌های مختلف تأمین مالی پروژه‌ها؛ معیار و عملکرد پروژه‌ها را ارائه و روش‌های مختلف تأمین منابع مالی با یکدیگر مقایسه کرده و انتخاب مناسب‌ترین راه برای آنها را ارائه کرده است. در نهایت نیز پیشنهاداتی جهت بهبود شرایط به منظور سرمایه‌گذاری خصوصی در پروژه‌های مختلف بیان نموده است. تحقیق پیشرو در صدد است به روش توصیفی تحلیلی و براساس فقه امامیه و متناسب با قوانین و مقررات بازار سرمایه ایران و نیاز صنعت برق، ابزار مالی گواهی ظرفیت را معرفی نماید.

۳. ادبیات موضوع

۳-۱. راهکارهای مختلف تأمین مالی صنعت برق

علاوه بر بودجه عمومی دولت، برخی از راهکارهای مختلف تأمین مالی خارجی عبارتند از:

۱. بهره‌گیری از ابزارهای مهندسی مالی جهت کاهش ریسک جریان نقدی.
۲. استقراض از بانک‌های خارجی و سایر مراکز تأمین مالی.
۳. انعقاد قراردادهای مختلف همچون BOO، BOT.

در حال حاضر روش‌های ب و ج در صنعت برق دنیا رایج می‌باشد. تأمین مالی به روش BOT به‌عنوان یک شیوه تجربه شده در دنیا مطرح می‌باشد. در این روش بخش خصوصی خارجی پس از برنده شدن در مناقصه دولت در قالب یک کنسرسیوم اقدام به احداث و بهره‌برداری از پروژه می‌نماید و در نهایت مطابق قرارداد اولیه آن را به بخش دولتی واگذار می‌کند. به کارگیری این شیوه در ایران با برخی مشکلات روبرو است:

الف) ممنوعیت مالکیت بخش خصوصی خارجی بر پروژه‌های زیربنایی (ماده ۴۴ قانون اساسی).

ب) نبودن نظام صحیح مالیاتی و عدم امکان برآورد دقیق هزینه مالیاتی توسط شرکت مجری پروژه.

ج) نبودن چارچوب مشخص قانونی و یا قانون ویژه‌ای برای پروژه‌های BOT و...

هریک از این مشکلات باعث ایجاد اختلال در روند اجرای پروژه‌های BOT می‌گردد که جهت رفع این مشکلات اخیراً پیشنهادهایی از سوی سازمان سرمایه‌گذاری در قالب لایحه به مجلس صورت گرفته است. همچنین با تدوین قانون ویژه BOT و یا ایجاد ساختار مناسب برای پروژه‌های BOT، با توجه به سیاست‌های اقتصادی دولت در برنامه‌های پنج‌ساله دوم و سوم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی مبتنی بر جلب سرمایه‌های خارجی و تشویق سرمایه‌گذاران بخش‌های خصوصی داخلی و خارجی، در کنار نقاط قوت می‌توان امید داشت که روش BOT به‌عنوان یک راهکار بلندمدت قوی جایگزین شیوه‌های تأمین مالی کوتاه‌مدت و میان‌مدت قبلی شود تا هم از توان مالی و هم از توان انسانی بخش‌های خصوصی و به‌خصوص شرکت‌های خارجی استفاده شود.

در مورد استفاده از روش الف به‌عنوان یک شیوه کلی در تأمین مالی صنعت برق محقق تاکنون شواهدی نیافته است و گواهی ظرفیت می‌تواند ابزاری مناسب برای این روش باشد.

۲-۳. تعریف گواهی ظرفیت

بر اساس بندهای «ز»^۲ و «ژ»^۳ دستورالعمل بند «و» ماده ۱۳۳ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم وزارت نیرو، گواهی ظرفیت سندی قابل معامله است. این سند با مجوز وزارت نیرو به‌منظور ایجاد نیروگاه جدید و یا کاهش قدرت قراردادی مشترکین^۴ موجود صادر می‌شود. واحد گواهی ظرفیت کیلووات است که نشان‌دهنده «تعهد تدارک یک کیلووات ظرفیت مطمئن نیروگاهی به‌مدت نامحدود» می‌باشد. واگذاری اشتراک جدید و یا افزایش قدرت قراردادی مشترکین مستلزم ارائه میزان متناسبی از گواهی ظرفیت است.

بازار ظرفیت نیز بازار متمرکز خرید و فروش گواهی ظرفیت است که توسط بورس انرژی (و قبل از آن توسط مدیریت شبکه برق) اداره می‌شود. بر اساس بند «و» ماده ۱۳۳، وزارت نیرو مکلف است در صورت نیاز با حفظ مسئولیت تأمین برق، به‌منظور ترغیب سایر مؤسسات داخلی برای تولید هر چه بیشتر نیروی برق از نیروگاه‌های خارج از

مدیریت آن وزارتخانه، براساس دستورالعملی که به تأیید شورای اقتصاد می‌رسد، نسبت به خرید برق این نیروگاه‌ها اقدام نماید.

شورای عالی بورس در تاریخ ۱۳۹۳/۰۶/۱۷ به استناد بند (۲۴) ماده (۱) و بند (۴) ماده (۴) قانون بازار اوراق بهادار، ابزار مالی «گواهی ظرفیت» در بورس انرژی را به‌عنوان ابزار مالی قانون بازار اوراق بهادار شناسایی و با تعریف زیر تصویب کرد:

اوراق بهادار قابل معامله‌ای است که با اجازه وزارت نیرو مبتنی بر ایجاد ظرفیت نیروگاهی قابل اتکاء جدید و یا کاهش قدرت قراردادی مشترکین موجود صادر می‌شود و متضمن حق استفاده از ظرفیت معینی از برق برای دارنده آن است.

۴. اهداف و مزایای گواهی ظرفیت

طراحی و عملیاتی کردن گواهی ظرفیت دارای اهداف و مزیت‌هایی است که در ذیل به آنها اشاره شده است:

۱. امنیت بلندمدت در تولید برق؛
۲. تسهیل در تأمین مالی صنعت برق از بازار سرمایه؛
۳. کمک به ورود بخش خصوصی در صنعت برق؛
۴. کمک به ارزیابی صرفه اقتصادی پروژه‌های سرمایه‌گذاری در بخش نیروگاهی؛
۵. کشف قیمت مناسب گواهی ظرفیت براساس سازوکار بازار؛
۶. کسب اطمینان از تناسب افزایش ظرفیت تولید برق با رشد مصرف در کشور؛
۷. ارسال سیگنال اقتصادی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و ارائه چشم‌انداز مناسبی به تصمیم‌گیران دولتی و سیاست‌گذاران توسعه شبکه سراسری برق کشور؛
۸. پوشش ریسک ناشی از عدم وجود ظرفیت مازاد (برای متقاضی دریافت انشعاب) و عدم وجود متقاضی دریافت انشعاب (برای نیروگاه).

۵. انواع بازارهای گواهی ظرفیت

۵-۱. بازار نقدی گواهی ظرفیت

بازاری است که اوراق مورد معامله در آن، دارای ظرفیت ایجاد شده و آماده برقراری

انشعاب می‌باشد.

عرضه‌کنندگان گواهی ظرفیت در این بازار عبارتند از:

۱. نیروگاه دارای ظرفیت آزاد؛
۲. متقاضیان کاهش قدرت قراردادی؛
۳. دارندگان گواهی ظرفیت سررسید شده که قصد اعمال ندارند و منصرف شده (این گواهی از بازار سلف به این بازار انتقال می‌یابد)؛
۴. سرمایه‌گذاران.

متقاضیان این بازار عبارتند از:

۱. مصرف‌کنندگان نهایی (متقاضیان برقراری انشعاب)؛
۲. نیروگاه‌های صادرکننده گواهی ظرفیت در بازار سلف که این اوراق سررسید شده و لیکن ظرفیت آن ایجاد نشده؛
۳. نیروگاه‌های مواجه با افت ظرفیت؛
۴. سرمایه‌گذاران.

۲-۵. بازار سلف گواهی ظرفیت

بازاری است که اوراق مورد معامله در آن، معرف تعهد تدارک ظرفیت و برقراری انشعاب در آینده می‌باشد.

عرضه‌کنندگان گواهی ظرفیت در این بازار عبارتند از:

۱. نیروگاه متعهد تأمین ظرفیت در آینده؛
۲. سرمایه‌گذاران.

متقاضیان این بازار عبارتند از:

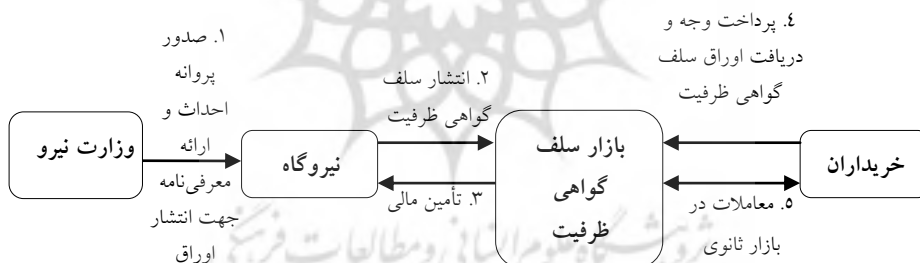
۱. مصرف‌کنندگان نهایی (متقاضیان برقراری انشعاب)؛
۲. سرمایه‌گذاران.

۶. سازوکار معاملات گواهی ظرفیت در بازار نقدی

۱. اعلام ظرفیت موجود و ظرفیت ناشی از کاهش قدرت قراردادی جهت برقراری انشعاب توسط وزارت نیرو به شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه؛
۲. ثبت ظرفیت اعلامی در سامانه معاملات توسط شرکت سپرده‌گذاری مرکزی؛
۳. انجام معاملات.

۷. سازوکار معاملات گواهی ظرفیت در بازار سلف

۱. صدور پروانه احداث و ارائه معرفی‌نامه جهت انتشار اوراق به متقاضی ساخت نیروگاه توسط وزارت نیرو؛
۲. ارائه درخواست پذیرش و انتشار گواهی ظرفیت به بورس انرژی؛
۳. انتشار اوراق توسط نیروگاه جهت تأمین مالی؛
۴. پرداخت وجه و دریافت گواهی ظرفیت سلف؛
۵. معاملات در بازار ثانوی.

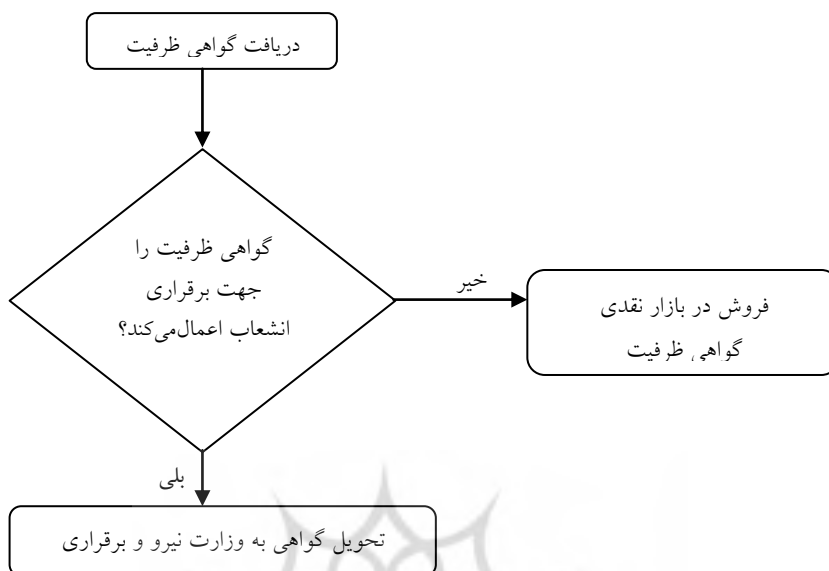


نمودار (۱): روابط میان ارکان در بازار سلف گواهی ظرفیت

منبع: یافته‌های تحقیق

۸. سررسید سلف گواهی ظرفیت

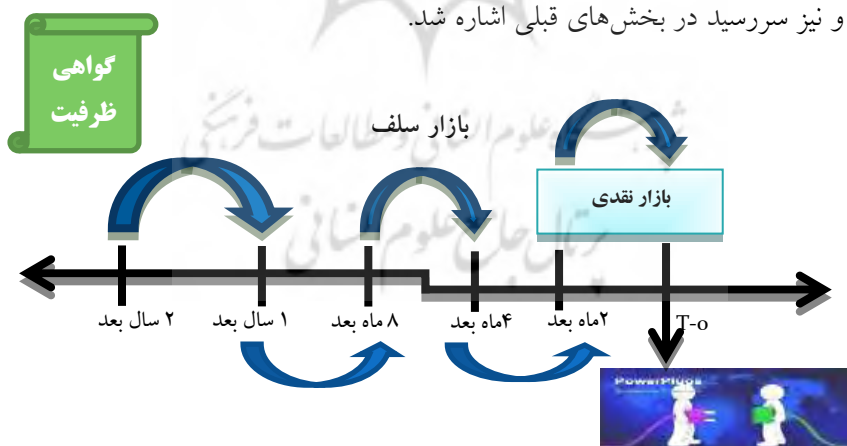
۱. در پایان دوره معاملات سلف گواهی ظرفیت یعنی در تاریخ سررسید به دارنده این اوراق، گواهی ظرفیت تحویل داده می‌شود.
۲. پس از تحویل در صورتی که دارنده، تمایل به اعمال و دریافت انشعاب نداشته باشد می‌تواند گواهی ظرفیت خود را در بازار نقدی به فروش رساند.



نمودار (۲): سلف اوراق گواهی ظرفیت

منبع: یافته‌های تحقیق

در ادامه و در نمودار گردش معاملاتی گواهی ظرفیت، دو بازار نقدی و سلف این ابزار هم‌زمان نشان داده شده است. در بخش اول که مربوط به بازار سلف گواهی ظرفیت است همان سازوکاری حاکم است که در بالا به آن اشاره شد. همچنین سازوکار بخش بازار نقدی و نیز سررسید در بخش‌های قبلی اشاره شد.



نمودار (۳): گردش معاملاتی گواهی ظرفیت

منبع: یافته‌های تحقیق

۹. تجارب بین‌المللی

مدل بازار ظرفیت حاضر در بازارهای جهانی کارکرد تأمین مالی ندارد و در این بازارها گواهی فقط برای یک سال آینده در بازار به فروش می‌رسد و قابل خرید و فروش مجدد نمی‌باشد. در کشورهای اسلامی و به‌طور ویژه در کشورهای عضو همکاری خلیج فارس، ابزار مالی مشابه گواهی ظرفیت وجود ندارد، بلکه سرمایه‌گذار بخش خصوصی صنعت برق با مصرف‌کنندگان نهائی قرارداد دارد و طی آن یک قدرت قراردادی را به آنان واگذار می‌کند؛ ولی این امکان را دارند که در صورت داشتن مازاد ظرفیت یا کاهش قدرت قراردادی مشتری اولیه آن را به مصرف‌کنندگان ثانوی نیز واگذار کند. این سازوکار به قرارداد چرخشی^۵ معروف است. این فرآیند در قالب بازارهای مالی مانند بورس انرژی صورت نمی‌گیرد و عرضه‌کننده برق، آن را به صورت بلندمدت به خریدار اولیه می‌فروشد. در صورت عدم نیاز وی یا داشتن اضافه ظرفیت نیز آن را به خریدار ثانوی می‌فروشد. این فرآیند در نمودار در ذیل نشان داده شده است:



نمودار (۴): روابط میان ارکان در قراردادهای گردش

منبع: یافته‌های تحقیق

۱۰. ابهامات پیش‌رو

ضمانت اجرائی ایفای تعهدات نیروگاه جهت ایجاد ظرفیت در سررسید چگونه است؟

مسئولیت کنترل اجرای پروژه و تأمین ظرفیت در موعد مقرر با وزارت نیرو است و بورس صرفاً وظیفه انتقال مالکیت و تسویه مالی اوراق را بر عهده دارد. در این خصوص راهکار بازار سرمایه به شرح ذیل است:

نیروگاهی که در تاریخ سررسید اوراق، ظرفیت نیروگاهی ایجاد نکرده باشد باید به ازای گواهی ظرفیت منتشر شده، یا از بازار نقدی، گواهی ظرفیت خریداری و تعهدات خود را ایفا کند و یا تعهد خود را با گواهی ظرفیت با تاریخ سررسید دورتر^۶ جایگزین نماید. این حالت که در کتب فقهی با عنوان تعدّر تسلیم مبیع در بیع سلف مطرح می‌باشد دارای احکام خاصی است که در بخش تحلیل فقهی اوراق گواهی ظرفیت، به بیان آن پرداخته می‌شود.

۱۱. زیرساخت‌های لازم برای معاملات گواهی ظرفیت

۱. فراهم بودن محیط قانونی مناسب:
 - ✓ تصویب گواهی ظرفیت به‌عنوان ابزار مالی جدید توسط کمیته فقهی و شورای عالی بورس؛
 - ✓ تدوین فرآیندها و مقررات مورد نیاز برای صدور گواهی ظرفیت و انجام معاملات آن مانند بند (ز) و (ژ) دستورالعمل بند (و) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم.
۲. قوانین مربوطه باید واجد شرایط ذیل باشد:
 - ✓ حقوق و تعهدات و وظایف هر یک از طرفین مربوط به گواهی ظرفیت به وضوح مشخص شده باشد.
۳. وزارت نیرو به لحاظ جایگاه حقوقی باید این تعهدات را ارائه دهد:
 - ✓ برقراری انشعاب صرفاً از طریق گواهی ظرفیت خریداری شده از بورس صورت گیرد.
 - ✓ متعهد به برقراری انشعاب در تاریخ سررسید گواهی ظرفیت باشد.
 - ✓ پایش و محاسبه ظرفیت مطمئن نیروگاه‌های شبکه جهت ارائه معرفی‌نامه برای انتشار گواهی ظرفیت را عهده‌دار باشد.

- ✓ پایش انطباق مجموع میزان گواهی‌های ظرفیت در اختیار شرکت توزیع با بار مصرفی شبکه تحت پوشش و همچنین پایش این انطباق در مورد مصرف‌کنندگان متصل به شبکه انتقال را عهده‌دار باشد.
- ۴. تهیه سیستم‌های یکپارچه و الکترونیکی صدور، سپرده‌گذاری، راه‌اندازی و تسویه معاملات گواهی ظرفیت.
- ۵. فرهنگ‌سازی برای انجام معاملات.
- ۶. امضای تفاهم‌نامه‌های مورد نیاز با ارکان ذیربط.
- ۷. تعیین فرمت گواهی ظرفیت.
- ۸. چگونگی حل و فصل دعاوی و تعیین جرائم.

۱۲. تحلیل فقهی گواهی ظرفیت

- در مورد گواهی ظرفیت سررسید شده و آتی و ضمانت آن، می‌توان حالت‌های زیر را تصویر و مورد بررسی فقهی قرار داد:
۱. گواهی ظرفیت، سند حق استفاده از ظرفیت معین تولید نیروگاهی برق است که توسط وزارت نیرو یا نیروگاه‌های غیردولتی منتشر می‌شود و معامله آن در واقع معامله مترتب بر این حق می‌باشد.
 ۲. واگذاری گواهی ظرفیت حال (قابل وصل در زمان حال) توسط نیروگاه‌ها یا وزارت نیرو از باب بیع یا صلح حق صحیح است.
 ۳. واگذاری گواهی ظرفیت آینده (قابل وصل در زمان آینده) توسط نیروگاه‌های موجود یا در حال تأسیس یا وزارت نیرو از باب بیع سلف یا صلح حق صحیح است.
 ۴. واگذاری گواهی ظرفیت سررسید شده توسط دارندگان آن از باب بیع یا صلح حق صحیح است.
 ۵. واگذاری گواهی ظرفیت آینده توسط دارندگان آن از باب بیع سلف موازی یا صلح حق صحیح است.
 ۶. تضمین وزارت نیرو نسبت به برقراری انشعاب مطابق گواهی‌های ظرفیت فروخته شده توسط نیروگاه‌ها از باب عقد ضمان صحیح است (مصوبات کمیته فقهی

سازمان بورس و اوراق بهادار پیرامون گواهی ظرفیت).

همان طور که در بیان نظر کمیته فقهی آمده است، گواهی ظرفیت، یک نوع سند حق استفاده می‌باشد، به عبارت دیگر نوعی حق امتیاز است. حق امتیاز یا حق معنوی، به حقوقی گفته می‌شود که متعلق آنها امور اعتباری و معنوی است؛ مانند حق طبع (تکثیر و چاپ اثر)، حق اختراع، حق امتیاز انتشار روزنامه و مجله، حق استخراج معدن و حق امتیاز آب، برق، گاز و تلفن. در مقابل این حق، حق عینی قرار دارد که متعلق آن عین خارجی است، از قبیل حق تحجیر و حق قصاص که متعلق اولی زمین و دومی جانی می‌باشد.

حق امتیازی که دولت در مقابل دریافت مبلغی به اشخاص واگذار می‌کند، از قبیل حق امتیاز تأسیس شرکت، حق امتیاز تلفن، آب و برق، در صورتی که قانون و عرف برای آن مالیت قائل باشد و با آن همچون سایر اموال رفتار کند، به تصریح برخی از فقها شرعاً اعتبار دارد و در نتیجه ارث بردن و خرید و فروش آن جایز خواهد بود (حکیم، ۱۴۱۶ق، ص ۳۱۸).

معاملاتی که بر گواهی ظرفیت تحقق پیدا می‌کند، معاملات مترتب بر حق است. واگذاری گواهی ظرفیت به صورت حال، توسط نیروگاه‌ها یا وزارت نیرو را می‌توان در قالب بیع حق و یا صلح حق انجام داد.

سوالی که در اینجا مطرح می‌باشد این است که آیا بیع حق صحیح است؟ و آیا حق می‌تواند مبیع واقع گردد؟

فقها در بیان معنای اصطلاحی حق اختلاف نظر دارند. برخی آن را به «سلطنت برشیء» تعبیر کرده و آن را مرتبه ضعیفی از ملکیت برشمرده‌اند (نائبینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۹۲). برخی نیز حق را نوعی «ملک» می‌دانند (یزدی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۵۵). گروهی نیز بر این باورند که حق، به‌طور مستقل از جانب شارع وضع شده و عبارت از سلطنت بر غیر است (اصفهانی، ۱۳۹۸ق، ص ۲۱۷).

اکثر فقیهان امامیه، عینیت را در بیع شرط می‌دانند ولی عموم آنان تعریفی از عین ارائه نکرده‌اند و فقط به بیان مصادیق آن و هدف از ذکر آن پرداخته‌اند. قانونگذار نیز از همین

رویه تبعیت کرده و مطابق ماده ۳۳۸ قانون مدنی در تعریف بیع مقرر کرده است که: «بیع تملیک عین است، به عوض معلوم». ولی نه عین را تعریف کرده است و نه مراد خود از آن را بیان نموده است. در مقابل اکثر فقیهان که عینیت را در مبیع شرط می‌دانند، برخی نیز دلیلی بر اختصاص مبیع به اعیان قائل نبوده، بلکه آن را اعم از اعیان، منافع و حقوق دانسته‌اند. آیت‌الله مکارم شیرازی علاوه بر این که مبیع را شامل منافع دانسته و از تملیک منافع، به بیع تعبیر کرده‌اند، حتی بیع حقوق را نیز قابل انکار نمی‌داند؛ چنانکه در بین عقلاء نیز فروش سرقفلی، حق انشعاب آب و برق و تلفن امری رایج و متداول است و به این دلیل معتقد است: «ممکن نیست از اجرای احکام بیع بر فروش این قبیل حقوق مانع شویم، زیرا فروش آنها در نزد عرف شایع است به طوری که همه آن را قبول دارند و مانعی از اطلاق بیع بر آنها نیز وجود ندارد و عمومات کتاب و سنت نیز شامل حال آنها است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۴).

امام خمینی (ره) نیز ضمن رد شرط عینیت در مبیع، در تأیید این که لازم نیست مبیع عین باشد، می‌فرماید: «همه می‌پذیرند که اگر عوض عین نباشد، بیع صحیح است. از آنجا که فرق بین عوض و معوض فقط اعتبار انشاء است و اما در واقع هر یک از آنها، عوض دیگری است، پس ماهیت بیع مبادله بین آنها می‌باشد و هر یک از آنها عوض دیگری قرار داده شود، پس عین، بدل از ثمن است و ثمن، بدل از عین می‌باشد. بنابراین چنان که در جانب ثمن (عوض) عینیت شرط نیست، در جانب عوض دیگر (مبیع) نیز عینیت شرط نمی‌باشد؛ زیرا بین این دو از جهت عوض و معوض بودن فرقی نیست (فرق بین آن دو اعتباری است نه واقعی)» (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، صص ۳۲-۳۱).

در بین حقوق‌دانان نیز در عین بودن مبیع در عقد بیع، اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوق‌دانان با استناد به ماده ۳۳۸ قانون مدنی و محدودیت این ماده نسبت به شمول اموال غیرمادی به مبیع، معتقدند که مبیع نمی‌تواند منفعت، عمل یا حقی نظیر حق انتفاع باشد ولی در مورد ثمن، چون هیچ قیدی در تعریف نیامده پس عین و منفعت و عمل می‌تواند ثمن باشد (شهیدی، ۱۳۸۲، ص ۱۳). بنابراین با این استدلال در نظر ایشان، مبادله دو حق یا حق و منفعت را نمی‌توان بیع دانست.

بسیاری از حقوق‌دانان بر این باورند که اموال غیرمادی نیز می‌توانند مبیع واقع شوند. از

تعریف برخی از آنان که بیع را «مبادله متعادل که در دارایی هر یک از طرفین عقد، دو جریان مالی معکوس ایجاد کند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۶)، نظریه توسعه مفهوم مبیع از اموال مادی به اموال غیرمادی استنباط می‌شود. برخی دیگر نیز ماده ۳۳۸ قانون مدنی را در تعریف بیع جامع ندانسته و معتقدند که این تعریف فقط ناظر به بیع عین معین است و همه اقسام بیع را در بر نمی‌گیرد (صفایی، بی تا، ج ۲، ص ۷۹).

عرف امروزی جامعه ما به این سو تمایل دارد و انتقال حق در مقابل عوض را بیع به شمار می‌آورد و بیشتر بیان شد که ملاک در تحدید معاملات و موضوع آنها عرف است. حقوق دانان نیز تصریح کرده‌اند که رهایی از قید عین در ماده ۳۳۸ قانون مدنی نوعی پیشرفت و نزدیکی به عرف و معقول شدن قواعد است که این‌ها غایت مطلوب هر نظام حقوقی است و باید گفت که این رهایی گامی به سوی عدالت و معقول شدن نیز دانسته می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۳۰۶).

شایان ذکر است که برای به دست آوردن مفهوم بیع، باید متمسک به عرف شد؛ زیرا بیع نه حقیقت شرعیه دارد و نه حقیقت متشرعه، بلکه بیع دارای حقیقتی عرفیه است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۰). لذا با مراجعه به عرف می‌بینیم که بیع اموال غیرمادی، نظیر آنچه که گفتیم داخل در مفهوم بیع است و با اینکه در بیع این گونه اموال، مبیع، عین نیست، اما هیچ شبهه‌ای در صدق مفهوم بیع بر آنها وجود ندارد. بنابراین اگر بیع حقوق را جایز بدانیم، می‌توانیم واگذاری ظرفیت را در قالب عقد بیع صحیح دانسته و انجام دهیم.

اگر بخواهیم مطابق دیدگاه مشهور فقها و ظاهر قانون مدنی ایران رفتار کنیم، قرارداد پیشنهادی جایگزین برای واگذاری گواهی ظرفیت، صلح است؛ از آن جایی که گواهی ظرفیت، سند حق می‌باشد بنابراین صلح آن نیز، صلح حق خواهد بود.

عقد صلح عبارت است از تسالم و تراضی طرفین عقد بر امری که این امر ممکن است تملیک عین یا منفعت یا اسقاط دین یا حق و یا چیزی جز این‌ها باشد (خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۵۶۱). همان طور که بیان شد صلح به معنای تراضی و تسالم بر کاری است. مشهور فقها صلح را عقدی مستقل (شهیدثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۸۲) و به معنای انشای تسالم بر کاری معلوم می‌دانند از این رو عقد صلح، تابع شروط خاصی غیر از قواعد عمومی قراردادها نیست، گرچه اثر توافق طرفین در مصالحه، ممکن است با اثر یکی از عقود معین،

مشابهت داشته باشد.

قلمرو توسعه عمل حقوقی صلح به لحاظ مفهوم و مورد، از دیگر عقود بیشتر است. آنچه از مفاد روایات درباره صلح بر می آید، شرط تحقق و اعتبار صلح، دو چیز است: نخست اینکه طرفین صلح در مورد آن تراضی و طیب نفس داشته باشند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۴۴۸) و دیگر اینکه صلح بر کاری که محلل حرام یا محرّم حلال است، نباشد (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۲). این ویژگی‌های خاص عقد صلح، موقعیتی ممتاز به آن می‌بخشد، به گونه‌ای که می‌توان به وسیله این عقد، اقدام به ایجاد بسیاری از عقود معین نمود، بدون آنکه به احکام و شرایط خاص آن عقود پای بند بود.

با توجه به اینکه گواهی ظرفیت، سند حق بهره‌برداری است، مسأله‌ای که در اینجا

مطرح می‌باشد این است که آیا حق نیز موضوع عقد صلح واقع می‌شود یا خیر؟

همان طور که عین می‌تواند موضوع عقد صلح قرار بگیرد، منفعت و حق نیز می‌توانند موضوع صلح باشند (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۲۲). البته شایان ذکر است که با توجه به تقسیمی که شیخ انصاری (ره) از حقوق دارد، حقوقی که قابل نقل و انتقال و قابل اسقاط نیستند را نمی‌توان موضوع صلح قرار داده و بر آن مصالحه نمود (سبزواری، بی‌تا، ص ۳۲۹). امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید: «صلح از حقوقی صحیح است که قابل نقل و اسقاط باشد و آنچه قابل نقل و اسقاط نیست صلح از آن صحیح نمی‌باشد، مانند حق مطالبه دین، و حق رجوع در طلاق رجعی و حق رجوع در بذل، در باب خلع» (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۶۲).

بنابراین واگذاری گواهی ظرفیت حال (قابل وصل در زمان حال) و گواهی ظرفیت آینده (قابل وصل در زمان آینده) که جزء حقوق مالی قابل نقل و انتقال محسوب می‌شود را می‌توان در قالب عقد صلح مورد معامله قرار داده و اوراق بهادار آن را منتشر نمود.

کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار در مورد واگذاری گواهی ظرفیت آینده (قابل وصل در زمان آینده) علاوه بر عقد صلح، قرارداد بیع سلف را نیز پیشنهاد و تصویب نموده است.

بیع سلف، بیعی است که مبیع (کالا) در آن، نسیه و ثمن (بها)، نقد باشد و در مجلس عقد قبض (تحویل) شود. طبق تعریف فقیهان، مبیع در سلف، کلی در ذمه^۷ است که در

برابر مال نقد و برای سررسید معینی فروخته می‌شود. بنابراین بیع سلف که به آن «سَلَم» هم گفته می‌شود عبارت است از خریدن کلی مدت‌دار در مقابل ثمن نقد، که بر عکس نسیه می‌باشد (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۳). بیع سلف به اجماع همه فقهاء جایز و مشروع می‌باشد.

در بیع سلف، همه شروط عقد بیع، شرط است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۰۳) علاوه بر شروط عقد بیع، صحت بیع سلف مشروط به امور زیر نیز می‌باشد:

۱. کالایی که فروخته می‌شود باید جنس و وصف‌هایی که در ثمن و رغبت مشتری اثر دارد، معین شود تا هیچ‌گونه غرر و ابهامی در کار نباشد (محقق حلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۶۲) مراد از ذکر جنس، ذکر نوع و حقیقت کالا است و مراد از ذکر وصف، ذکر اوصافی است که جهالت موجود بین اصناف مختلف آن را از بین می‌برد (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۰۳) بنابراین کالایی که با وصف - به حدی که جهالتش مرتفع گردد و به نیایی آن منجر نشود - قابل تعیین نباشد، سلف در آن صحیح نخواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۲۸۰).
۲. ثمن معامله باید نقد باشد و در مجلس عقد و پیش از جدا شدن فروشنده و مشتری از یکدیگر تحویل فروشنده شود (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۲۹۵). هرگاه مقداری از ثمن پرداخت شود معامله فقط نسبت به آن مقدار صحیح است (همان، ص ۲۹۱). علت بطلان آن، این است که کالای مورد معامله، کلی فی‌الذمه است و اگر پرداخت بهای کالا نیز از مجلس عقد تأخیر بیافتد، معامله تبدیل به کالی به کالی می‌شود و مطابق نظر برخی از فقیهان باطل می‌گردد (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۳۶).
۳. مقدار کالا باید با پیمان، وزن یا شمارش، مشخص شود. برای این شرط علاوه بر اجماع و سیره عقلا، حدیث نفی غرر را به عنوان دلیل آورده‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۸، ص ۳۲).
۴. سررسید تحویل کالا باید معین باشد. این شرط نیز مقتضای نفی غرر است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۲۹۹). علاوه بر اجماع، روایات زیادی دال بر اشتراط این شرط در صحت بیع سلف وجود دارد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۹۷).

۵. امکان تحویل کالا در سررسید و در محل تحویل آن و قدرت بر تسلیم کالا وجود داشته باشد (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۳۰۴).
۶. مکان تحویل کالا معین باشد (خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۵۰۰) اگر در عقد، مکانی را برای تسلیم کالا شرط نمایند، عمل به آن شرط لازم است و چنانچه مکانی را شرط نکنند، اطلاق عقد، تسلیم در مکان وقوع عقد را اقتضاء می کند (عاملی، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۴۱۸).
۷. فروش مبیع پیش از سررسید، صحیح نیست (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۳۲۰).

شایان ذکر است از آنجایی که قرارداد سلف یکی از انواع بیع محسوب می شود، در صورتی که بیع حقوق را جایز بدانیم، گواهی ظرفیت که نوعی سند حق بهره برداری می باشد را می توان در قالب بیع سلف مورد معامله قرار داد. خرید و فروش گواهی های ظرفیت قبل از سررسید در بازار ثانوی، مصداق خرید و فروش مبیع قبل از سررسید است. مشهور فقهای شیعه، مخالف فروش مبیع پیش از سررسید هستند و فروختن کالای خریداری شده را به سلف به فروشنده و یا به غیر او، قبل از سررسید صحیح نمی دانند (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۵۹). بر عدم صحت بیع سلف قبل سررسید آن، ادعای اجماع شده است (شهید اول، ۱۴۱۷ ق، ج ۴، ص ۴۷۳).

شهید اول (ره) و شهید ثانی (ره) راهکار عقد صلح را برای فروش کالای سلف قبل از سررسید، پیشنهاد می نمایند و آن را صحیح می دانند (شهید اول، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۲۶۱)، (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۴۲۲).^۱ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار، واگذاری گواهی ظرفیت آینده توسط دارندگان آن در بازار ثانوی را علاوه بر عقد صلح، در قالب بیع سلف موازی پیشنهاد و تصحیح نموده است.

آنچه به عنوان سلف موازی مورد تصویب شرعی کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار واقع شده است در واقع ترکیبی از بیع سلف و عقد حواله می باشد.

حواله عقدی خاص جهت انتقال دین (بدهی) از ذمه ای^۲ به ذمه ای دیگر است. تعریف یاد شده براساس نظر مشهور فقها است که حواله به غیر بدهکار را نیز صحیح می دانند

(نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۱۶۵).

توضیح بیشتر این راهکار به این شکل است که خریدار سلف اول با قطع نظر از قرارداد نخست، اقدام به فروش سلف کند هر چند که نوع کالا و مقدار آن مثل مبیع سلف اول باشد. در این راهکار، فروشنده سلف نخست، با دریافت قیمت کالا، گواهی سلف، در اختیار خریدار می‌گذارد که به سبب آن، خریدار یا هر کسی که خریدار وی را حواله دهد، حق دارد در سررسید مقرر به بانی مراجعه کرده و مقدار معینی کالا تحویل بگیرد، حال خریدار سلف یا تا سررسید منتظر می‌ماند و خود به دریافت کالا اقدام می‌کند یا بعد از فروش سلف موازی، خریدار جدید سلف را جهت دریافت کالا به بانی حواله می‌دهد و برای این منظور، گواهی سلف را به وی واگذار می‌کند، وی نیز یا تا سررسید منتظر می‌ماند و خود به دریافت کالا از بانی اقدام می‌کند یا بعد از فروش سلف موازی دیگر، با تحویل گواهی سلف، خریدار جدید سلف را جهت دریافت کالا به بانی حواله می‌دهد و این رویه می‌تواند تا سررسید چندین مرتبه تکرار شود.

در سررسید گواهی ظرفیت، چنانچه نیروگاه تکمیل نشود، تکلیف دارندگان گواهی چه خواهد بود؟ در ادامه این مسأله از دیدگاه فقهی بررسی و سپس راهکارهای پیشنهادی ارائه می‌شود.

۱۳. تعذر تسلیم مبیع (مسلم‌فیه)

وقتی تحویل مبیع در بیع سلف متعذر باشد، دو فرض وجود دارد: ۱- تعذر، در هنگام عقد به صورت متعارف قابل پیش‌بینی بوده؛ ۲- تعذر، در هنگام عقد به صورت متعارف قابل پیش‌بینی نبوده است. در صورت نخست، بیع سلف باطل است. در بیع سلف، ملاک صحت، امکان تسلیم در هنگام تسلیم است نه در هنگام عقد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۳۰۴).

اگر در بیع سلف، هنگام انعقاد عقد، پیش‌بینی آن بوده که تسلیم مبیع در زمان مقرر در عقد ممکن است، بیع سلف صحیح می‌باشد. در چنین مواردی، چنانچه بعداً تسلیم مبیع متعذر گردد، بسیاری از فقها برای طرف دیگر حق فسخ قایلند. علامه حلی معتقد است: اگر در زمان انعقاد عقد سلف پیش‌بینی می‌شده مسلم‌فیه در موعد مقرر یافت شود، ولی موعد

تسلیم نایاب گردد، در این صورت، عقد منفسخ نمی‌شود؛ زیرا عقد به طور صحیح واقع شده و تعذر تسلیم صحت عقد را مخدوش نمی‌کند (علامه‌حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۱۹). همچنین علامه‌حلی متذکر شده است که چنانچه وقت محصولی بگذرد و در آن مدت مبیع قابل تسلیم یافت نشود، عقد منفسخ نمی‌گردد، بلکه مشتری اختیار دارد که عقد را فسخ کند یا تا زمان امکان تسلیم صبر نماید (علامه‌حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۲۲). چنانکه در روایت عبدالله بن بکیر از امام صادق(ع) سوال شد: فردی نسبت به محصولی که به طور معمول موضوع سلم واقع می‌شود، عقد سلم منعقد می‌کند و وقت محصول می‌گذرد و فرد مبیع را دریافت نمی‌کند. امام صادق(ع) فرمود: مشتری می‌تواند ثمن خود را پس بگیرد یا منتظر باشد (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۳۰۹).

راه حل سوم این است که مشتری علاوه بر حق فسخ، اختیار داشته باشد که قیمت روز مسلم‌فیه را از بایع مطالبه نماید. شهید ثانی این قول را تقویت کرده است (شهیدثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۳۱). علامه‌حلی(ره) نیز بر این عقیده است که خریدار می‌تواند قیمت روز حلول أجل مسلم‌فیه (سررسید) یا روز مطالبه را از بایع بگیرد؛ وی می‌فرماید که خریدار استحقاق مالی را دارد که در ذمه و تعهد بایع است و لذا می‌تواند - همانند سایر دیون- آن ذمه را بفروشد و مستلزم ربای معاملی نیز نخواهد بود(علامه‌حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۲۶ و ۳۲۷)، ولی امام خمینی(ره) بر این عقیده‌اند که بنابر نظر اقوی، خریدار حق ندارد بایع را ملزم به پرداخت قیمت کالا در روز سررسید نماید (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۴۶).

بنابراین طبق نظر فقهای معاصر، چنانچه اوراق گواهی ظرفیت در قالب حقوقی سلف اجرایی شود، در صورتی کالای مورد سلف، تعذر تسلیم داشته باشد، خریدار فقط بین فسخ عقد و صبر کردن مخیر است. لذا در صورتی که اوراق گواهی ظرفیت بر مبنای عقد صلح منتشر شود، در صورت تحقق تعذر تسلیم، خریدار می‌تواند به جای دریافت کالای مورد سلف، با بایع جهت دریافت قیمت روز سررسید، صلح نماید.

راهکار اخیر در صورتی است که تضمینی جز قرارداد میان دارنده گواهی ظرفیت و نیروگاه وجود نداشته باشد. در صورت تضمین وزارت نیرو مطابق مصوبه کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار این مشکل وجود نخواهد داشت. در این راهکار تضمین

وزارت نیرو نسبت به برقراری انشعاب مطابق گواهی‌های ظرفیت فروخته شده توسط نیروگاه گواهی ظرفیت‌ها، از باب عقد ضمان بوده و صحیح می‌باشد. عقد ضمان، متعهد شدن به مالی است که در ذمه شخصی برای دیگری ثابت است. (حمینی، بی تا، ج ۲، ص ۲۵) به عبارت دیگر و به بیان ماده ۶۴۸ قانون مدنی، عقد ضمان عبارت است از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه دیگری است به عهده می‌گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتیجه‌نهایی اینکه با توجه به کاربردهای عملی، آثار و نتیجه‌های اقتصادی گواهی ظرفیت، این اوراق می‌توانند ابزاری مناسب برای تأمین مالی صنعت برق بوده و باعث رونق بازار سرمایه در کشور ایران اسلامی باشد. البته برای رسیدن به این منظور باید تدبیرهای لازم علمی و اجرایی فراهم شود، در این جهت پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

الف) مناسب است بعهده‌های حسابداری، مالیاتی، قیمت‌گذاری و مدیریت ریسک گواهی ظرفیت بررسی شود؛

ب) برای ارتقای سطح بازار سرمایه و تبدیل آن به سوپر مارکتی از ابزارهای مالی، لازم است نهادهای مسئول با بررسی بعهده‌های گوناگون، مقدمه‌های تصویب قانون جامع اوراق بهادار اسلامی را فراهم کنند تا زمینه برای انواع نوع‌آوری در این باره فراهم شود؛

ج) برای پدیدساختن فضای رقابتی بین ابزارهای پولی و مالی لازم است درباره قوانین موجود بازنگری شده یا تمام ابزارها مانند، سپرده‌های بانکی و اوراق مشارکت، از مالیات معاف باشند یا همگی مشمول مالیاتی متناسب شود.

یادداشت‌ها

۱. این مقاله براساس مصوبه کمیته فقهی سازمان بورس اوراق بهادار طراحی شده است (سند مصوبه کمیته فقهی).

۲. گواهی ظرفیت: سندی است قابل مبادله که با اجازه وزارت نیرو مبتنی بر ایجاد ظرفیت نیروگاهی قابل اتکاء جدید و یا کاهش قدرت قراردادی مشترکین موجود صادر می‌شود؛ واحد گواهی ظرفیت کیلووات است که معرف تعهد تدارک یک کیلو وات ظرفیت مطمئن نیروگاهی

به مدت نامحدود می‌باشد. واگذاری اشتراک جدید و یا افزایش قدرت قراردادی مشترکین مستلزم ارائه متناسبی از گواهی ظرفیت است.

۳. بازار ظرفیت: بازار متمرکز خرید و فروش گواهی ظرفیت است که توسط بورس (و قبل از آن توسط مدیریت شبکه) اداره می‌شود.

۴. منظور از قدرت قراردادی مشترکین، مقدار قدرتی است که از اداره برق خریداری شده است و تجهیزات نصب شده حداکثر این مقدار توان الکتریکی را می‌توانند به مصرف‌کننده ارائه دهند (منظور سیستم انتقال و ترانسفورماتور کاهنده‌ای است که مشترکین از آن استفاده می‌کنند). مصرف‌کننده می‌تواند در مقاطعی (به مدت یک‌سال) از مقدار قدرت قراردادی خود به صورت قراردادی کاهش دهد بدون اینکه تجهیزات تغییری کند. به‌عنوان مثال اگر قدرت قراردادی خریداری شده از شرکت برق ۳ مگاوات باشد می‌تواند مقدار آن را به صورت قراردادی کاهش دهد، مثلاً به یک مگاوات برای مدت یک سال. این عمل برای مواقعی است که مصرف‌کننده مطمئن است در طول یک‌سال از حداکثر قدرت استفاده نخواهد کرد و برای کاهش هزینه ثابت قدرت قرارداد، آن را به صورت قراردادی کاهش می‌دهد.

5. Wheeling Arrangements

6. Rollover

۷. کلی فی الذمه که آن را کلی نیز می‌گویند، چیزی است که انواع مشابهی از آن در خارج وجود دارد؛ مانند گندم، جو، آهن که هر یک از آنها دارای مشابه بسیاری در خارج می‌باشند.

۸. منظور تعهدی است که یک نفر در قبال طرف دیگر بر عهده دارد.

کتابنامه

ابوالحسنی، مهدی و محمدرضا بمانیان (۱۳۸۹)، «بررسی موردی تأمین مالی ۷ پروژه نیروگاهی به روش BOT و BOO»، تهران: سومین کنفرانس بین‌المللی توسعه نظام تأمین مالی در ایران.
اسدی، ابوالفضل و علیرضا کازرانی‌نژاد (۱۳۹۳)، «تأمین مالی پروژه‌ها از طریق سرمایه‌گذاری متقاضیان بخش خصوصی در تأسیسات عمومی»، تهران: یازدهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت.

اصفهان‌ی، شیخ‌الشریعه و فتح‌الله بن محمدجواد نمازی (۱۳۹۸ق)، رساله فی تحقیق معنی البیع،

قم: دارالکتاب.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲)، دانشنامه حقوقی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، جلد ۵.

حرّعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.

حکیم، سید محمد سعید طباطبایی (۱۴۱۶ق) حواریات فقهیة، بیروت: مؤسسه المنار، چاپ اول.

خمینی، سید روح الله موسوی (بی تا) تحریر الوسيلة، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.

خمینی، سید روح الله (۱۴۲۱ق) کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۳۹۳)، «امکان‌سنجی راه‌اندازی معاملات گواهی ظرفیت برق»، خبرنامه داخلی.

سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام، قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم.

شهید اول، عاملی، محمد بن مکی (۱۴۱۷ق)، الدروس الشرعية فی فقه الإمامیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: کتابفروشی داوری، چاپ اول.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام إلی تفیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۵ جلد.

شهیدی، مهدی (۱۳۸۲)، حقوق مدنی ۶، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجلد.

شیخ صدوق، محمد (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.

طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.

علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴ق)، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸ الف)، حقوق مدنی دوره عقود معین ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم.

کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸ ب)، حقوق مدنی (عقود معین)، تهران: شرکت سهامی انتشار.

گواهی ظرفیت: ابزاری مناسب برای توسعه صنعت برق ۸۷

کاوند، مجتبی و رضا میرزاخانی (۱۳۹۳)، «گواهی ظرفیت»، سازمان بورس و اوراق بهادار، خبرنامه داخلی.

محقق حلّی، ابوالقاسم (۱۴۰۳ق)، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، بیروت: دارالاضواء.
محقق حلّی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.

مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق)، *العناوین الفقہیة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ اول.

معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور (۱۳۹۱)، دستورالعمل بند (و) ماده (۱۳۳) قانون توسعه پنج‌ساله پنجم، تاریخ ابلاغ دستورالعمل ۱۳۹۱/۱۲/۲۸.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ق)، *انوار الفقاهة*، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه‌السلام.
نائینی، میرزا محمدحسین غروز (۱۴۱۳ق)، *المکاسب و البیوع (للمیرزا النائینی)*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.

یزدی، سید محمدکاظم طباطبائی (۱۴۲۱ق) *حاشیة المکاسب*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
یزدی‌زاده راوری، شهاب (۱۳۷۴)، «طرق مختلف تأمین منابع مالی پروژه‌ها در صنعت برق استان خراسان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مشهد: دانشگاه فردوسی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Capacity Certificate, an Appropriate Instrument for Developing Electric Power Industry

Reza Mirzakhani*

Received: 23/09/2015

Sayyed Abbas Mosavian**

Accepted: 08/03/2016

Financing is one of the most important challenges in various sectors of economy including electric power industry. Thus, this industry needs financial innovations to design financial institutions and instruments for funding itself. In Iran, developing power industry faces some challenges because it mainly depends on government budget and it lacks enough financial resources for its development proportionate to the electricity consumption growth. Therefore, the Ministry of Power and Energy, as the main policymaking body in electric power industry in Iran, is facing financial resource deficit and is seeking the participation of the private sector for investing in power industry.

One of the necessary requirements for the private sector participation in electric power industry is appropriate financial solutions and instruments that correspond to the electric industry. Capacity certificate is a financial instrument designed for financing electric power industry to enable it to develop new powerhouses. Using descriptive/analytical method and based on *Imamiyah* jurisprudential School and the regulations of Iran's capital market and the needs of power industry, the financial instrument for capacity certificate is introduced in this paper.

Keywords: Electric Power Industry, Finance, Islamic Finance, Islamic Financial Instrument, Capacity Certificate

JEL Classification: G23

* Ph.D. Student of Fiqholaqtasad at Imam Sadiq University (Corresponding Author), sadoogh.m@gmail.com

** Associate Professor, Institute of Islamic Thought and Culture, samosavian@yahoo.com